

# مبانی میراث فرهنگی

ناصر پازوکی



## مقدمه:

ایران کشوری است با سابقه تاریخی چند هزار ساله و حکومت‌هایی مقتدر و توانا و مردمی هوشمند، با استعداد، خوش فکر و مبتکر و موقعیت جغرافیایی حساس و برجسته که در برهه‌های زیادی از تاریخ اداره جهان را از نظر سیاسی و فرهنگی برعهده داشته است.

تأثیر تمدن ایرانی بر کشورهای جهان به خصوص منطقه و نقش مهمی که در شکل‌گیری تمدن‌ها و پیشرفت و توسعه علم و دانش داشته، خدمات ارزنده این ملت را بر بشریت آشکار می‌کند. مهمترین دلیل ادعا وجود هزاران نسخه کتب خطی، میلیون‌ها قطعه اشیای فرهنگی - تاریخی موجود در گنجینه‌های ایران و جهان و بناها و اماکن تاریخی است که در نقاط مختلف ایران پراکنده هستند.

متأسفانه عدم شناخت عمیق عموم مردم و به‌ویژه نسل جوان از گذشته غنی و پر بار فرهنگی، هنری و سیاسی این سرزمین موجب تسلیم شدن بسیاری از آنان در مقابل بلا و آفتی است که امروزه به نام شبیخون یا تهاجم فرهنگی نامیده می‌شود. همان‌گونه که شناخت آن نیز می‌تواند موجب خودباوری، خوداتکایی، غرور ملی و مذهبی شده و دیگر آنچه خود دارد زیبگانه تمنا نکند.

پس میراث فرهنگی را باید شناخت، حفظ کرد، معرفی نمود و آنرا توجیه منطقی کرد تا به مثابه سرمایه‌ای ملی برای اداره حال و ساختن آینده‌ای بهتر بهره جست.

## میراث فرهنگی چیست؟

آنچه که حاصل فکر، اندیشه، باورها، اعتقادات و تلاش نسل‌های گذشته یک جامعه و ملت بوده و به صورت سنت‌ها، باورها، آداب و رسوم و یا دست‌سازهایی تبلور یافته و به نسل‌های بعد منتقل شده، میراث فرهنگی آن ملت گفته می‌شود. این آثار خواه مادی مانند ابنیه و اشیاء و خواه غیرمادی مانند آداب، رسوم، سنن و اعتقادات در زمره میراث فرهنگی شناخته می‌شوند.

باتعریف فوق می‌توان دریافت که میراث فرهنگی هر کشور عصاره شخصیت وجودی و هویت فرهنگی، اعتقادی و سیاسی هر ملتی در تاریخ بوده و هر ملتی همان قدر دارای شخصیت، هویت، اصالت، ریشه و ارزش تاریخی است که مستندات به‌عنوان میراث فرهنگی از خود ارایه نماید.

با تعریف فوق درمی‌یابیم: حفاظت، حراست و معرفی میراث فرهنگی به‌معنای اخص آن، به‌عنوان یک نیاز اصیل فرهنگی به‌منظور ارتقاء سطح فرهنگ عمومی جامعه و تعمیق و تحکیم هویت مذهبی، ملی و میهنی ضرورتی حتمی و فوری است.

برای عمق بخشیدن به اندیشه پژوهش، حفاظت و معرفی میراث فرهنگی ضروری است تا مبانی آنرا مورد دقت‌نظر قرار داده و تأملی جدی در آن داشته باشیم.

از قرآن کریم که به تعبیر مفسرین بیش از یک چهارم آن موضوعات تاریخی و بیان سرگذشت اقوام، ملل و پیامبران الهی است، آنچه که صراحتاً برداشت می‌شود پند و اندرز و عبرت‌گرفتن از سرگذشت آنهاست. اما در آیات و احادیث فراوان دیگر موضوع بسیار فراتر از آن دیده شده است که بتوان آنرا در چند جمله بیان نمود. یا در پند و عبرت گرفتن خلاصه کرد.

آنچه در این گفتار مورد نظر است، مشق نظری است برای یافتن برخی از رئوس مبانی میراث فرهنگی تا انشاء... توسط اساتید و صاحب‌نظران مورد توجه قرار گرفته و آنرا تکمیل نمایند.

ضرورت پرداختن به این امر در صورتی جدی‌تر و فوری‌تر خواهد بود که نگاهی گذرا به عوامل تهدید کنندهٔ مواریث فرهنگی داشته باشیم و ببینیم که با چه سرعتی در جهت انهدام و نابودی پیش می‌روند.

## عوامل تهدیدکنندهٔ میراث فرهنگی عبارتند از:

- ۱ - تحولات ناشی از برنامه‌های توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی.
  - ۲ - عوامل طبیعی مانند باد، باران، سیل، زلزله و گذشت زمان.
  - ۳ - تخلفات اشخاص حقیقی و حقوقی از مقررات قانونی ناظر بر حفاظت از میراث فرهنگی.
  - ۴ - دسیسه‌ها و توطئه‌های دشمنان داخلی و خارجی برای غارت و چپاول مواریث فرهنگی و بی‌هویت کردن آنها.
- به نظر نگارنده مبانی حفظ، پژوهش و معرفی میراث فرهنگی را می‌توان به سه گروه عمده تقسیم کرد.

الف: علل ذاتی

ب: علل عارضی

ج: علل عامدی (عمدی)

قبل از پرداختن به شرح هر دسته از علل، لازم است به این نکته مهم اشاره شود که ممکن است برخی از موارد فرهنگی دارای ویژگیهایی باشند که در هر سه گروه از علل قرار گیرند. اما علت غالب بر آنها موجب می‌شود تا در گروه خاصی مطرح شوند.

## الف: علل ذاتی

بسیاری از موارد فرهنگی در ذات خود دارای ارزشی هستند که جدا کردن آن ارزشها ممکن نیست لذا تمامی آنها را در یک طبقه‌بندی خاص با عنوان علل ذاتی جای می‌دهیم. مهمترین موارد فرهنگی که به علل ذاتی باید حفظ و معرفی شوند عبارتند از:

۱- اشیاء یا اماکنی که دارای احترام و تقدس هستند:

بسیاری از اماکن تاریخی و اشیاء تاریخی - فرهنگی به علت اینکه مقدس هستند از آنها حفظ و مراقبت و نگهداری می‌شود مانند مقبره دانیال نبی، حرم حضرت شاهچراغ (ع)، حرم حضرت معصومه (س)، حرم امام رضا (ع) و در کشورهای دیگر مانند بیت المقدس، مسجدالحرام، مسجدالنبی، غار حرا و اشیاء منسوب به پیامبران و ائمه یا نسخه‌های مختلف قرآن کریم.

۲- اشیاء یا اماکنی که دارای ارزش هنری والا و خاص هستند مانند تابلوها، ظروف و اشیاء یا بناهایی با تزئینات خاص هنری

۳- اشیاء یا آثاری که دارای ارزش رفتاری بوده و نمایانگر نوع رفتار شخصی یا گروهی جوامع مختلف هستند، مانند اشیایی که عمدتاً مرتبط با موضوع مردم‌شناسی می‌باشند مثل لباس، پوشاک، مفروشات و بافته‌ها.

۴- اشیاء یا آثاری که دارای ارزش اقتصادی هستند مانند ظروف طلائی دوران مختلف.

۵- اشیاء یا آثاری که نشان دهنده قدمت و سابقه یک تکنیک یا عمر طولانی یک تفکر است مانند سنگواره‌ها یا نقوش غارها و ابزارهای سنگی.

۶- اشیاء و آثاری که نمایانگر شگفتیها هستند مانند اهرام ثلاثه مصر، برج بابل و بسیاری از اشیاء هزاره‌های قبل

۷- اشیاء و آثاری که بازگوکننده یا نشاگر تکنیکهای پیشرفته در هزاران سال قبل هستند مانند آثار چرخ سفالگری یا چرخ ارابه و ابزار ذوب فلز یا پخت لعاب.

۸- اشیاء و آثاری که مبانی اعتقادی و باورهای پیشینیان را نشان می‌دهد مانند بت‌ها، معابد و یا دیگر مظاهر پرستش

۹- آثار و اشیایی که نمایانگر مظاهر فرهنگ و تمدن گذشته هستند مانند منشور حقوق بشر کورش یا لوح حمورابی یا دیگر الواح سنگی که قوانین بر آنها حک شده است.

۱۰- آثار و اشیایی که اثبات‌کننده پیشرفت علوم یا تکنیک هستند مانند اشیاء و ابزاری که در صنعت ذوب فلز به کار گرفته می‌شد یا ابزار پزشکی دوران مختلف و یا نوشته‌هایی که تکامل خط را نشان می‌دهند. ۱۱- اشیاء یا آثاری که یک‌خاطره تاریخی را در خود حفظ کرده‌اند مانند آثار ننگه‌ای که آریو برزن در آن حماسه خلق کرد یا شمشیری که در جنگی موجب پیروزی شده است یا نقش برجسته زانو زدن والرینوس در مقابل شاه ایران.

۱۲- آثار و اشیایی که سنت‌ها و ارزشهای اخلاقی را در خود حفظ کرده و می‌تواند موجب انتقال آنها به نسلهای بعد باشد مانند آثاری که نمایانگر ساده زیستی بزرگان و دانشمندان است.

تمام اشیایی که در این گروه جای می‌گیرند ارزشی در ذات آنها رسوخ کرده که دیگر قابل تفکیک از آنها نیست لذا این گونه اشیاء را به «علل ذاتی» که در آنها نهفته شده، باید حفظ و معرفی کرد.

## ب: علل عارضی

دسته دیگر از عللی که می‌تواند به عنوان مبانی حفظ، پژوهش و معرفی میراث فرهنگی مطرح شود علل عارضی است.

بسیاری از آثار، اشیاء و مستندات فرهنگی - تاریخی هستند که ممکن است به تنهایی دارای ارزشی نباشد، اما به لحاظ رویداد یا اتفاق یا... که بر آن عارض شده، ارزش کیفی یا معنوی یافته باشد که برای حفظ آنها باید قرابین آن را حفظ کرد. مثلاً زمین کربلا بالذات زمینی است مانند دیگر نقاط کره زمین اما وقوع رویداد کربلا به آن ارزش ویژه‌ای بخشیده است.

## مهمترین این علل عبارتند از:

۱- آثار و اشیایی که موجب پند، اندرز و عبرت گرفتن از آثار بر جای مانده از گذشتگان می‌شود مانند بقایای شهرها، قصرها، کاخ‌ها و تجملات موجود در آنها.

۲- آثار، اشیاء و مستنداتی که موجب حس خود باوری و غرور ملی می‌شود مانند آثار تخت جمشید یا نقش برجسته‌های نقش رستم و زانو زدن والرینوس در مقابل شاه ایران یا ابداعات و اختراعات دانشمندان یا حماسه یک پیروزی

۳- آثار و اشیایی که موجب افتخار و مباهات می‌شود مانند مدالها و نشانها و فتح نامه‌ها.

۴- آثار و اشیایی که به عنوان اسناد تاریخی برای نشان دادن فرهنگ، تاریخ و تمدن گذشته می‌تواند مبنا قرار گیرد مانند بسیاری از بناهای تاریخی و اشیاء فرهنگی - تاریخی که ترسیم‌کننده گذشته ملتها است.

به نفع همهٔ انسانهای جهان می‌باشد اجرا نمائیم معاهداتی مانند ایکوم، ایکروم، یونسکو و غیره...

۳- برای گسترش و تحقق امر آموزش بهره‌برداری نمائیم.

۴- رمز و راز تاریخ را از طریق مطالعه و تحقیق در ابنیه و آثار تاریخی کشف کنیم.

۵- برخی از موضوعات تاریخی را اثبات کنیم.

۶- به شیوه زندگی جوامع و انسانهای گذشته پی ببریم و روابط موجود میان آنها را کشف نمائیم.

۷- گنجینه‌هایمان را تکمیل کنیم یا سیر تکامل یک موضوع را نشان دهیم. مثلاً سکه‌هایی یک دوره‌ای ممکن است هیچ ارزش هنری، اقتصادی، یا تکنیکی و غیره نداشته باشند اما برای آنکه سکهٔ همه دوره‌ها را داشته باشیم سکهٔ فاقد ارزش آن دوره را نیز نگهداری می‌کنیم.

در خاتمه با تأکید مجدد بر این مطلب که باید توجیه منطقی از مبانی و علل توجه به موارث فرهنگی به جامعه به‌ویژه نسل جوان ارائه کرد تا قابلیت پذیرش آنها را درک نماید. جوانان باید به این خودباوری برسند که ماهم ملتی متمدن، با فرهنگ و در عرضهٔ علم و ادب و هنر و سیاست صاحب حرف اول بوده‌ایم، تلاش نمایند تا مجد و عظمت دیرینه خود را بازیابیم و کوزه‌های خالی نباشیم که آنچه در آنها بریزند، بلیعیم. از اساتید، محققین و صاحب‌نظران دعوت می‌شود تا این بحث ناقص را تکمیل کنند.

والسلام

۵- اشیاء و آثاری که می‌تواند موجب حفظ و معرفی مجموعه‌ها یا تکمیل محورها شود مانند پلها، سنگ فرش جاده‌های قدیمی نظیر بقایای جادهٔ ابریشم و بناهای مسیر آن.

۶- آثار و اشیایی که موجب حفظ و معرفی آداب، رسوم و سنن گذشته می‌شود مانند تکایا و حسینیه‌ها یا ابزار و اشیاء مرتبط با عاشورا یا نوروز و سیزده‌بدر

۷- آثار و اشیایی که تأثیر و تأثر تمدن‌ها را بر یکدیگر نشان می‌دهد مانند انواع سفالها و نقوش روی آنها یا نقش برجسته‌ها و آثاری که سبک‌های مختلف هنری را نشان می‌دهند.

۸- اشیاء و آثاری که منسوب به انسانهای بزرگ هستند مانند دست خط یا آرامگاه حافظ و دیگر بزرگان علم، ادب، هنر، سیاست و دین.

آثار، اشیاء و موارث فرهنگی که در این گروه مطرح شده‌اند ممکن است مانند گروه اول دارای ارزش ذاتی نباشند اما به علت عارضه‌ای که بر آنها حمل شده دارای ارزش فرهنگی - تاریخی بوده و باید آنها را پژوهش، حفظ و معرفی نمود.

### ج: علل عامدی (عمدی)

این دسته از اشیاء را به لحاظ یک عمد یا قصدی که برای رسیدن به هدفی در نظر داریم نگهداری، مراقبت و حفاظت می‌کنیم. لذا ممکن است مانند آثار و اشیاء دیگر تقدس نداشته باشند، مایهٔ پند و عبرت نباشند، ارزش هنری یا اقتصادی نداشته باشند یا شاید همه اینها را داشته باشند اما در وهلهٔ اول قصد ما از نگهداری آنها این است که:

۱- جلب توریسم نمائیم و درآمد اقتصادی داشته باشیم.

۲- به قوانین بین‌المللی احترام بگذاریم و معاهدات بین‌المللی را که

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

